

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ارتباط معالجهٔ امراض با جن

(ترجمه)

پرسش:

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

برخی‌ها، بعضی از امراض را اثر جن می‌دانند؛ از همین جهت برخی مردم ادعا می‌کنند که با جنیات ارتباط دارند، جن‌ها تحت تسخیر آن‌ها در می‌آیند و می‌توانند از آن‌ها کار بکشند و توسط آن‌ها مردم را تحت تسخیر درآورند. آیا بین انسان و جن رابطهٔ فیزیکی و مادی وجود دارد؟

پاسخ:

وعلیکم السلام ورحمت الله وبرکاته!

1- جن از جملهٔ مغیبات بوده و از چشم‌دید انسان پنهان است و ما نمی‌توانیم آن‌ها را ببینیم. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿يَرَاكُمُ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ﴾ [كهف: 50]

ترجمه: ابلیس و قبيله‌اش شما را می‌بینند، از جایی که شما آن‌ها را دیده نمی‌توانید.

درین آیت یعنی ابلیس و قومش شما را می‌بیند و به عبارت دیگر، جن شما را می‌بیند، چون ابلیس از جمله جن است؛ به دلیل قول الله سبحانه و تعالی:

﴿إِلَّا ابْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ﴾ [كهف: 50]

ترجمه: [همه فرمان الله را اجراء نمودند و به سجده افتادند] جز ابلیس که از جن بود.

2- اصل در رابطهٔ انسان با جن این است که آن‌ها قادر بر وسوسه اند، چنانچه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ﴾ [اعراف: 20]

ترجمه: سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد.

و هم‌چنان می‌فرماید: ﴿فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ﴾ [طه: 120]

ترجمه: ولی شیطان او را وسوسه کرد.

که درین آیت شیطان همان ابلیس است که از جنس جن می باشد.

3- شیطان هیچ تسلط فزیکتی جبری بر انسان ندارد؛ مگر این که انسان شیطان را به اختیار خودش پیروی کند، در مورد الله متعال می فرماید:

﴿وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي﴾ [ابراهیم: 13]

ترجمه: و چون حکم (قیامت) به پایان رسید (و اهل بهشت از اهل دوزخ جدا شدند) در آن حال شیطان (برای نکوهش و تمسخر کافران) گوید: الله به شما به حق و راستی وعده داد و من به خلاف حقیقت شما را وعده دادم و خلف وعده کردم و بر شما (برای وعده دروغ خود) هیچ حجت و دلیل قاطعی نیاوردم و تنها شما را فراخواندم و شما اجابت کردید. هم چنان می فرماید:

﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ﴾ [حجر: 43]

ترجمه: در حقیقت تو را بر بندگان من تسلطی نیست؛ مگر کسانی از گمراهان که تو را پیروی کنند.

وهم چنان فرموده است:

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿ إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ﴾ [نحل: 100]

ترجمه: پس چون قرآن می خوانی از شیطان مطرود به الله پناه بر؛ چرا که او را بر کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکل می کنند تسلطی نیست؛ تسلط او فقط بر کسانی است که وی را به سرپرستی برمی گیرند و بر کسانی که آنها به او [=الله سبحانه و تعالی] شرک می ورزند.

4- جهت اثبات هرگونه رابطه مادی و فزیکتی جن با انسان، به نص ویژه ای نیاز است؛ هرگاه نصی یافت گردد، ما بدان ایمان می آوریم. به گونه مثال: تسلط حضرت سلیمان علیه السلام بر جن و امر و نهی وی بر آنها که این نص در قرآن آمده و بر آن ایمان داریم. الله سبحانه و تعالی در سوره نمل از سلیمان علیه السلام اینگونه حکایت می کند:

﴿قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ﴾ قَالَ عِفْرِيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ﴾ [نمل: 38]

ترجمه: (سلیمان) گفت: ای بزرگان! کدام یک از شما تخت او را برای من می‌آورد؛ پیش از آن که به حال تسلیم نزد من آیند؟ عفریتی از جن گفت: من آن را نزد تو می‌آورم پیش از آن که از مجلست برخیزی و من نسبت به این امر، توانا و امینم!

وهم چنان فرموده است:

﴿وَلَسَلِيمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرًا وَرَوَّاحُها شَهْرًا وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ﴾ [سبأ: 13]

ترجمه: و باد را برای سلیمان [رام کردیم] که رفتن آن بامداد يك ماه و آمدنش شبانگاه يك ماه [راه] بود و معدن مس را برای او ذوب [و روان] گردانیدیم و برخی از جن به فرمان پروردگارشان پیش او کار می‌کردند و هرکس از آن‌ها از دستور ما سر برمی‌تافت، از عذاب سوزان به او می‌چشانیدیم. [آن متخصصان] برای او هرچه می‌خواست از نمازخانه‌ها و مجسمه‌ها و ظروف بزرگ مانند حوضچه‌ها و دیگ‌های چسپیده به زمین می‌ساختند. ای خاندان داوود شکرگزار باشید و از بندگان من اندکی سپاسگزارند.

5- رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگونه مرض مادی را از زاویه معاملات انسانی معالجه می‌نمود تا این که نص و ویژه‌ای برای معالجه مرضی نازل می‌گردید؛ چون معامله با جن از جمله رابطه با آن‌ها محسوب می‌گردد. پس هرگونه واقعه همین‌گونه حل می‌گردید. در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه شخصی مقتول یافت می‌گردید، تصور بدان نمی‌گردید که کدام جنی آن را کشته است؛ مگر این که نصی در مورد می‌آمد، چنانچه در حادثه مردی که در خیبر مقتول یافت گردید، تصورات مردمی در پی عامل انسانی قتل گردید؛ نه عامل جنی. چنان چه مسلم در صحیح خود روایت کرده است:

«أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ سَهْلٍ وَمُحَيِّصَةَ خَرَجَا إِلَى خَيْبَرَ مِنْ جَهْدِ أَصَابِهِمْ فَأَتَى مُحَيِّصَةُ فَأَخْبَرَ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ سَهْلٍ قَدْ قُتِلَ وَطُرِحَ فِي عَيْنٍ أَوْ فِي قَبْرِ يَهُودٍ فَقَالَ أَنْتُمْ وَاللَّهِ قَتَلْتُمُوهُ قَالُوا وَاللَّهِ مَا قَتَلْنَاهُ... ثُمَّ وَصَلَتِ الْقَضِيَّةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِمَّا أَنْ يَدُوا صَاحِبَكُمْ وَإِمَّا أَنْ يُؤْذِنُوا بِحَرْبٍ فَكَتَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَيْهِمْ فِي ذَلِكَ فَكَتَبُوا إِنَّا وَاللَّهِ مَا قَتَلْنَاهُ»

ترجمه: عبدالله بن سهل و محیصه جهت ضرورتی به سوی خیبر رفتند، محیصه آمده و خبر داد که عبدالله بن سهل کشته و در چاهی و یا در خندق انداخته شده است، یهود را احضار کردند. گفته شد، به الله سوگند شما او را کشته اید؟ گفتند به الله سوگند ما نکشته ایم. قضیه به نزد رسول الله برده شد. رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: یا نفر خود را معرفی می‌دارید و یا اعلان جنگ فرمان داده می‌شود؛ در جواب نوشتند، به الله سوگند او را نکشته ایم.

این یک قصه مشهور است و تصور هیچ کس در آن زمان بدان جهت خطور نکرد که عامل قضیه جن باشد.

6- بنابر آن کدام نصی وجود ندارد که رابطه مادی جن را با انسان ثابت سازد؛ پس یگانه رابطه بین انسان و جن رابطه وسوسه است که از این حد هیچ گاهی تجاوز نمی نماید؛ چون رسول الله صلی الله علیه وسلم خاتم النبیین است که با وفات وی وحی قطع شده و نصی جدیدی دیگری نمی آید، از این جهت به جز رابطه وسوسه دیگر رابطه مادی بین انس و جن وجود ندارد.

چنانچه بیان شد، شیطان در وسوسه خود کدام سلطه ای ندارد؛ مگر این که انسان به اختیار خود وسوسه را بپذیرد. هم چنان در زمان خلفای راشدین امور مادی همین گونه معالجه می گردید که در واقعات قتل، سرقت، حيله گری تصویری از جن نمی گردید، همزمان با حادثه در پی عامل انسانی می بودند؛ چون عالم آن ها با عالم ما فرق دارد و رابطه آن ها با ما فقط وسوسه است. ازین جهت زمانی که انسان مریض گردد، جن کدام گونه تأثری در این خصوص ندارد و از زمان رسول الله تا اکنون انسان ها مطابق به تداوی اسلامی مداوا می گردیدند، برابر است که دوا مادی باشد؛ چنانچه از اسامه بن شریک رضی الله عنه روایت است که گفت:

«أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَصْحَابَهُ كَأَنَّمَا عَلَي رُءُوسِهِمُ الطَّيْرُ فَسَلَّمْتُ ثُمَّ قَعَدْتُ فَجَاءَ الْأَعْرَابُ مِنْ هَا هُنَا وَهَا هُنَا فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْتَ دَاوَى فَقَالَ «تَدَاوُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَضَعْ دَاءً إِلَّا وَضَعَ لَهُ دَوَاءً غَيْرَ دَاءٍ وَاحِدٍ الْهَرَمُ» أَيِ إِلَّا الْمَوْتَ» (رواه ابو داود)

ترجمه: وارد مجلس رسول الله صلی الله علیه وسلم و اصحاب وی شدم، اصحاب چنان بودند که گویا پرنده ای بالای سر آن ها نشسته باشد، سلام کردم و نشستیم؛ بدوی ها از هر طرف آمدند؛ گفتند یا رسول الله آیا تداوی کنیم؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «تداوی کنید، الله سبحانه و تعالی دردی را نیاورده؛ مگر این که دواي آن را نیز گذاشته است؛ غیر دواي هرم» یعنی مرگ.

اما مسئله تداوی با ادعیه و دم کردن، در این خصوص مسلم از طریق عائشه رضی الله عنه روایت کرده است:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَرْقِي بِهَذِهِ الرَّقِيَّةِ أَذْهَبُ الْبَاسَ رَبِّ النَّاسِ بِيَدِكَ الشِّفَاءُ لَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا أَنْتَ»

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه با این دعا رقیه می کردند: «پروردگارا! درد را رفع بساز، چون شفاء بدست تو است و به جز تو هیچ رفع کننده نیست.

برعلاوه این، دهها دعاء مأثوره در قرآن و سنت و یا دعاهاي مطابق شریعت آمده است.

اما پناه بردن به کسانی که ادعا می کنند که با جنیبات رابطه مادی دارند و امراض را تداوی می کنند، جایز نبوده و این چنین ادعاها حيله و فریب این طبقه دروغ گویان است که برای گرفتن مال مردم بین مردم غوغا برپا می کنند.

برادرتان عطا بن خلیل ابورشته

18 جمادی ثانی 1430 هـ.ق

11 جون 2009 م